

روند اجرای پژوهش‌های کیفی و نظریه پایه‌ور در روان‌شناسی

دکتر حمیدرضا عربی*
*

چکیده

مقاله حاضر در مورد یکی از رویکردهای مهم در روش تحقیق کیفی است که نظریه پایه‌ور نام دارد و به طور تمثیلی بیان می‌کند که نظریه نباید مانند تحقیقات کمی، شهود «صندلی راحت» بوده و از ذهن خلاق پژوهشگر به صورت قیاسی صادر شود، بلکه باید از دل داده‌ها (زمین، ریشه) پدید آید. مفاهیم اصلی این رویکرد به نظریه‌سازی یعنی به دست آوردن داده‌ها، حساسیت نظری، نمونه‌گیری نظریه‌ای و اشباع، شرح داده شده‌اند و نحوه ساخت نظریه با عنایت به این موارد، در تحقیق کیفی توضیح داده شده است. همراه با آن به صورت افتراقی، وجوه تمایز آن به (کمک مثال‌های تاریخی) با نظریه‌های قبل ارائه و تبیین شده است که چگونه ملاک‌های یک نظریه خوب با به کار بستن اصول نظریه پایه‌ور حاصل می‌شود.

واژگان کلیدی

نظریه پایه‌ور، نمونه‌گیری نظریه‌ای، حساسیت نظری، اشباع، طبقه هسته‌ای، سطوح رمزگذاری و موارد اخلاقی.

Email: faezeh2141@yahoo.com

* استادیار دانشگاه اصفهان دانشکده علوم تربیتی

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۰/۱۴

تاریخ ارسال: ۸۸/۰۹/۰۵

فصلنامه راهبرد / سال نوزدهم / شماره ۵۴ / بهار ۱۳۸۹ / صص ۲۷۹-۳۰۶

مقدمه

در این مقاله پس از شرح روند اجرای پژوهش‌های کیفی به طور عام، به صورت خاص به نظریه پایه‌ور پرداخته می‌شود. ساختن نظریه در پژوهش‌های کمی و کیفی دو رویکرد متفاوت می‌باشد. گال، بورگ و گال (گال و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۹) دو رویکرد نظریه تحقیقات کمی و کیفی را در مقابل هم قرار می‌دهند، در حالی که نظریه در پژوهش‌های کمی بر مبنای سازه‌های نظریه‌ای شکل می‌گیرد که می‌توان آنها را به نحوی نهادی یا عملیاتی تعریف کرد. در پژوهش کیفی از نظریه پایه‌ور^(۱) استفاده می‌شود.

در نظریه پایه‌ور، پژوهشگر، سازه‌ها و قوانین را مستقیماً از داده‌های بی واسطه‌ای که گردآوری کرده است، استخراج می‌کند، نه از پژوهش یا نظریه‌های قبلی. از آنجا که نظریه پایه‌ور رویکرد اصلی در پژوهش‌های کیفی می‌باشد، در این مقاله به طور کامل معرفی خواهد شد.

در حالی که نظریه در پژوهش‌های کمی ابتدا مطرح شده و سپس به کمک داده‌های تجربی در سه مرحله، آزمون می‌شود که شامل مرحله اول تنظیم فرضیه، مرحله دوم استنتاج پیامدهای قابل مشاهده فرضیه و

مرحله سوم آزمون فرضیه با انجام دادن مشاهدات است، در پژوهش‌های کیفی نظریه به صورت اکتشافی از دل داده‌ها پدید می‌آید. گلنیز و اشتروس (۱۹۶۷) از واژه زمین برای نامیدن نظریه خویش استفاده کردند. مراد آنها این بود که بر خلاف نظریه در پژوهش‌های کمی، که گاهی آن را شهود صندلی راحتی^۱ می‌نامیدند، داده‌ها مستقیماً از دل آزمودنی‌ها و رویدادهای پیرامون آنها به دست می‌آید، یعنی ریشه در زمین و نه در آسمان است. با این حال بسیاری در متون فارسی آن را به پیروی از آشوری (۱۳۷۴) تئوری مبنایی یا پایه‌ای نامیدند. البته نگارنده این مقاله که برای نخستین بار در متون فارسی برای آن واژه سازی کرده است (عریضی ۱۳۸۲، ۱۳۸۴، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸) با این معادل موافق نیست، زیرا مبنا یا پایه‌ای به همان دلیلی که در ابتدای مقاله آمده است، بیشتر به نظریه در پژوهش‌های کمی مرتبط می‌شود، یعنی نظریه‌ای که پایه مشاهدات و تهدید آنها قرار می‌گیرد. در حالی که نظریه پایه‌ور به دلیل اینکه پیوند خویش با زمین را حفظ می‌کند، معادل مناسب‌تری می‌باشد.^(۲) معهداً به دلیل همراهی با نظر دیگر اعضای جامعه علمی

1. Armchair speculation

ارائه یک جمع‌بندی برگزیده از یادداشت‌های میدانی شود که به این بیان تحلیلی استحکام بخشد و سپس به صورت یک توصیف بیانی نوشته شود و اعتبار این بیان را نشان دهد. شرح بیانی، از ویژگی‌های مهم پژوهش‌های کیفی است. برخلاف تحلیل‌های نوعی در پژوهش‌های کمی، شرح بیانی توجه خواننده را جلب می‌کند و همین به پژوهشگر کمک می‌کند تا دیدگاه خودش را ارائه دهد. بنابراین به خواننده حسی از «در اینجا بودن» می‌دهد. به عبارت کلی مهم‌ترین ملاک برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها در پژوهش کیفی استفاده از عقل و استدلال است؛ زیرا در اینجا داده و آمار عددی وجود ندارد، بلکه این عقل و استدلال است که به پژوهشگر کمک می‌کند تا براساس قضایای کلی و نظریات موجود، یافته‌ها را تفسیر نماید.

۲- ساخت نظریه

نظریه‌پردازی عبارت است از فرایند شناختی کشف مقولات انتزاعی و ارتباطی که بین این مقولات وجود دارد. یک نظریه، تبیینی از برخی از جنبه‌های عملی است که به پژوهشگر امکان استنباط در مورد حوادث آینده را می‌دهد. این فرایند یک ابزار اصلی برای ایجاد یا تأیید تبیین‌هاست. وقتی که اطلاعات پردازش شود، نتایج با تجربه‌های

پژوهش کیفی که در نخستین کارگاه پژوهش‌های کیفی بر معادل «نظریه پایه‌ور» اجماع نمودند، در مقاله حاضر، همین معادل به کار برده شد.

در ادامه، قبل از شروع بررسی نظریه پایه‌ور تفسیر داده‌ها و ساختن نظریه بر مبنای آن در پژوهش‌های کیفی به‌طور کلی ارائه می‌گردد و سپس به طور خاص به نظریه پایه‌ور می‌پردازد که در واقع روش اصلی تحقیقات کیفی برای ساختن نظریه است.

۱- تفسیر داده‌ها و ساختن نظریه

پس از سازماندهی و دسته‌بندی داده‌ها، پژوهشگر باید تلاش کند تا به یک کلیت برسد. هدف علمی پژوهش‌های کیفی بازسازی آن چیزی است که در جریان کار میدانی، روی داده است. این کار از طریق بیان تحلیلی^۲ صورت می‌گیرد. بیان تحلیلی، بنیان پژوهش کیفی است. معمولاً پژوهشگران، به خصوص تازه‌کاران نسبت به این عمل جدی که باید برای معنی بخشی به داده‌ها صورت گیرد، بی‌علاقه‌اند.

اریکسون (۱۹۸۶) معتقد است که انجام تحلیل در فرایند پژوهش، خود باید منجر به

2. Analytic narrative

قبلی و مجموعه ارزش‌ها مقایسه و در نهایت تصمیم‌گیری می‌شود. این تصمیم ممکن است نادرست باشد، بنابراین امکان دارد که یک نظریه یا مدل چندین بار تجدید نظر گردد. در واقع تحلیل داده‌ها مبتنی بر نظریه‌پردازی انجام می‌شود. عمل نظریه‌پردازی عبارت از «درک^۳، مقایسه^۴، مقابله^۵، جمع‌بندی، تنظیم و استقرار ارتباط و بیان احتمال^۶». درک شامل در نظر گرفتن همه منابع داده‌ها و همه جنبه‌های پدیده مورد نظر است. این عمل در جریان جمع‌آوری داده‌ها و بعد از آن انجام می‌شود. مقایسه، مقابله، جمع‌بندی، نظم‌بخشی، عملکردهای اولیه در پژوهش کیفی‌اند. پژوهشگر تصمیم می‌گیرد که کدام واحدها مشابه و متفاوت‌اند و در مورد این شباهت‌ها و تفاوت‌ها چه نکاتی مهم است. توصیف تحلیلی نمی‌تواند قبل از آنکه پژوهشگر، مقبولات مشابه و نامشابه را شکل نداده و تحلیل منظم محتوایی را انجام نداده، صورت گیرد. استقرار پیوند و رابطه، شامل نوعی از عمل کشف است که پژوهشگر کیفی در فرایند نظریه‌پردازی انجام می‌دهد. پژوهشگر از روش‌های قیاسی و استقرایی برای استقرای

این رابطه استفاده می‌کند. بیان احتمالی، اغلب به عنوان کلید فرضیه‌سازی و ایجاد نظریه مطرح می‌شود. به این منظور پژوهشگر کیفی باید با داده‌ها بازی کند و استنباط انجام دهد.

پژوهشگر باید از داده‌ها فراتر رود و آنچه را که در آینده روی خواهد داد، ترسیم کند. فلذا بیان احتمالی یک مؤلفه اساسی در فرایند استقرایی است. از انتخاب مورد منفی^۶ نیز در نظریه‌پردازی استفاده می‌شود. در این روش، پژوهشگر در جستجوی استثناهایی برای سازه مفروض است. این امر نیازمند تدوین مجدد فرضیه‌ها و تعریف مجدد پدیده‌هاست.

تدوین فرضیه‌ها نیازمند شواهدی برای یک حدس علمی در مورد برخی پدیده‌هاست. پژوهشگر این فرضیه را می‌آزماید و سپس آن را جرح و تعدیل می‌کند تا وقتی که فرضیه به عنوان یک تبیین مناسب، پذیرفته یا رد شود. این جرح و تعدیل‌ها ادامه می‌یابد تا فرضیه مناسب شکل گیرد و به نظر برسد که فرضیه می‌تواند فراتر از دامنه محدوده موارد مورد بررسی، عمل کند. فرضیه‌های استخراج شده از بوت‌آزمایش به نظریه می‌انجامند که قابلیت

3. Perceiving

4. Comparing

5. Contrasting

6. Negative case selection

دو رویکرد کنونی در نظریه پایه‌ور وجود دارد که عریضی این دو رویکرد را مقایسه کرده است (عریضی، ۱۳۸۸، ب). در این مقاله با توجه به جنبه بهتر آموزشی رویکرد اشتراوس و کوربین فشرده به این دو رویکرد اشاره می‌شود. هر چند کندال^۹ (۱۹۹۹) در پژوهش خویش از هر دو رویکرد استفاده کرده است، پژوهش در مورد خانواده‌هایی بود که در آن کودک با نقص اختلال توجه وجود دارد. کندال تصور می‌کند که رویه‌های رمزگذاری اشتراوس و کوربین کمتر امکان‌میل به رمزگذاری سطوح بالاتر را فراهم می‌سازند.

در پژوهش‌های علمی، نظریه‌های پایه‌ور به عنوان بهترین روش تبیین پدیده مورد مشاهده، فهم روابط و استنباط در مورد فعالیت‌های آینده تلقی می‌شود. برای توضیح بیشتر در ادامه به تبیین دقیق‌تر نظریه پایه‌ور می‌پردازیم.

۳- نظریه پایه‌ور

فروید پدر علم روانشناسی با اینکه معمولاً از شیوه‌های پژوهش کیفی استفاده می‌نمود، اما در نظریه‌پردازی رویکرد او به پژوهش‌های کمی بسیار شباهت داشت. نظریه، نه در جریان گردآوری داده‌ها، بلکه از

تعمیم‌دهی و تبیین پدیده‌های مختلف را دارند. نظریه‌ای که براساس داده‌ها به وجود می‌آید نظریه پایه‌ور^۷ (گلاسر و اشتراوس، ۱۹۶۷) نامیده می‌شود.

در مقاله حاضر، روش‌های ارائه شده بیشتر مبتنی بر دیدگاه‌های اشتراوس و کوربین^۸ (۱۹۹۰) می‌باشند. آنها نام کتاب خویش را مبنای پژوهش‌های کیفی، نظریه پایه‌ور و رویه‌های آن نامیدند. از نظر آنها این رویکرد، روش اصلی در ساخت نظریه در پژوهش‌های کیفی است. اشتراوس و کوربین بیان کرده بودند که به این دلیل کتاب مذکور را تالیف کردند تا روش‌های دشوارتر گلیزر و اشتراوس (۱۹۷۱، ۱۹۶۷) را برای دانشجویان ساده‌تر سازند تا آنها بتوانند با توصیف عینی از این رویه‌ها به ساخت نظریه مسلط گردند. این نوع ساده سازی آموزشی در همه جای دنیا سابقه دارد و یک مثال آشنا در کشور خودمان در رشته هنر است که عمادالکتاب روش آموزشی‌ای تدوین کرد که بتواند شیوه‌های دشوار خط نویسی را که از زمان نیریزی تدوین شده بود، سهولت بخشد. البته، گلیزر به مخالفت با اشتراوس و کوربین پرداخت و در سال ۱۹۹۲ با نگارش پدیدارشدن در مقابل اجبار کردن مبانی تحلیل نظریه پایه‌ور بر روش قبلی پای فشرده.

7. Grounded Theory
8. Strauss and Corbin

9. Kendall

قبل در ذهن او شکل گرفته بود. کنت روسی که به عنوان مرد گرگین شهرت دارد و تقریباً همه روانکاوان مشهور عصر کلاسیک روانکاوی وی را درمان کرده‌اند، از این رویکرد فروید گلايه و بیان می‌کند که فروید به دیدگاه‌های وی توجهی نداشت و هر نوع نکته‌ای را که وی بیان می‌کرد، به شرطی که با نظریه پرداخته شده وی مطابقت داشت، می‌پذیرفت. با این حال فروید اصولاً اعتقادی نداشت که داده‌های به دست آمده از آزمودنی‌ها ارزش چندانی داشته باشد، زیرا آنها را حاصل ذهن هشیار آنها می‌دانست، ولی بر عکس در جستجوی ناهشیار شرکت‌کنندگان در پژوهش‌های خویش بود. نظریه پایه‌ور بر عکس از دل داده‌های محلی و موقعیتی فراهم می‌آمد، در حالی که در پژوهش‌های کمی واقعیت اجتماعی عینی مفروض است.

در پژوهش‌های کیفی واقعیت اجتماعی به وسیله مشارکت‌کنندگان در آن ساخته می‌شود، به همین دلیل نظریه در پژوهش‌های کمی قبل از جمع‌آوری داده‌هاست، در حالی که در پژوهش‌های کیفی در حین جریان جمع‌آوری داده‌ها ساخته می‌شود.

در حالی که از نظر پژوهشگران کمی واقعیت اجتماعی مستقل از زمان و موقعیت‌هاست، در دیدگاه پژوهشگران کیفی واقعیت اجتماعی به طور پیوسته در موقعیت‌های محلی ساخته می‌شود. در مقایسه نظریه که توسط پژوهشگران کمی و کیفی به کار می‌رود، اشاره می‌کنند که اولی از مفاهیم و نظریه‌های پیش‌پنداشته استفاده می‌کنند تا معین کند چه داده‌هایی گردآوری خواهد شد. در حالی که در دومی پس از گردآوری داده‌ها نظریه‌ها کشف می‌شود (گال و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۶۳، بند ۹). بنابراین مرتضی منادی (۱۳۸۸) دارای این خطا می‌شود که تصور می‌کند پژوهشگران کیفی باید قبل از ورود به محیط پژوهش مجموعه‌ای از نظریه‌ها را داشته باشند و وظیفه آنها در احاطه به نظریه‌های قبلی را بیش از پژوهش‌های کمی می‌دانند. اگر از اصطلاح کانت استفاده کنیم، نظریه‌ها در پژوهش‌های کمی جنبه قبل از تجربه و در پژوهش‌های کیفی جنبه پس از تجربه دارد. گلیزر و اشتراوس (۱۹۶۷) که هر دو جامعه‌شناس هستند، رویکرد نظریه پایه‌ور را در دهه ۱۹۶۰ در حالی تدوین نمودند که تجارب بیمارانی را که در بیمارستان در گذشته بودند، بررسی می‌کردند. نتایج منتشر

شده این پژوهش (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۵ و ۱۹۶۸) در روشی که از آن طریق افراد حرفه‌ای در زمینه بهداشت و وابستگان بیماران در حال مرگ و نیز با این بیماران ارتباط برقرار می‌کردند، انقلابی ایجاد کرد که سبب شد رویکرد آنها از یک ترفند ساده به یک شیوه در معرض بحث در مجامع علمی تبدیل شود. کشف نظریه پایه‌ور (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷) نتیجه پژوهش آنها درباره موضوع فوق بود، اما راهنمایی‌های عملی برای تدوین اینکه چگونه می‌توان نظریه پایه‌ور را اجرا کرد، سال‌ها بعد در اثر تلاش اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) ارائه شد.^{۱۰}

نظریه پایه‌ور براساس اعتقادات ارائه شده در تعامل نمادین، که نظریه‌ای در جامعه‌شناسی است، قرار دارد. اشتراوس به‌خصوص تحت تأثیر تعامل‌گرایی از قبیل مید و بلومر قرار گرفت (اشتراوس و کوربین ۱۹۹۸). آنها اعتقاد داشتند که چگونگی تفسیر مردم از دنیای پیرامون خویش تحت تأثیر روشی است که آنها رفتار می‌کنند. در داخل یک گروه اجتماعی نمادهای خاصی قرار دارد که افراد عضو آن گروه مفهوم مشترک آن نمادها را دریافت می‌کنند. اینها براساس نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهایی هستند

که بخشی از فرهنگ را تشکیل می‌دهند. مفهوم این نمادها که شامل ارتباطات کلامی و غیرکلامی و نیز ابراز آن به دیگران است، سبب می‌شود که تفسیرهایی براساس آن انجام گیرد که از طریق آن تفسیرها مردم با یکدیگر و با محیط پیرامون خود تعامل کنند (هیر، ۱۹۳۴). بنابراین افراد به رفتارهای دیگران پاسخ می‌دهند و در این نحوه پاسخ‌دهی، بر محیط اجتماعی خود تأثیر گذاشته و آن را شکل می‌دهند. این به این معنی نیست که افراد به‌طور انفعالی به رفتارهای دیگران پاسخ می‌دهند. برعکس تعامل‌گرایان بر تأثیری که افراد از طریق مشارکت فعال در محیط پیرامون خود دارند، تأکید می‌کنند. بنابراین نظریه پایه‌ور در جستجوی یافتن فرایندهایی است که رویدادهای محیط اجتماعی را توضیح می‌دهد.

برای نیل به این هدف، کشف اینکه مردم چگونه از نظر تعاملی و نمادی رفتار می‌کنند، مهم است. با رمز‌دایی از نمادها و یا درک مشترکی که افراد از آن طریق می‌توانند جهان خود را تفسیر کنند، نظریه پایه‌ور فرایندهای اجتماعی تعاملی را که افراد در دورن یک فرهنگ به‌طور ضمنی نسبت به آن آگاهی دارند و حال آنکه افراد بیرون از

10. Mead

۳-۱- اهداف

نظریه پایه‌ور فرایندی خلاق است که تدوین یک نظریه جدید توسط آن تسهیل می‌شود (اشتراوس و کوربین ۱۹۹۸). به همین دلیل این رویکرد بیشتر هنگامی مناسب است که درباره یک موضوع دانش کافی وجود نداشته باشد (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷؛ اشترن، ۱۹۸۰). بک (۱۹۹۳) استفاده از نظریه پایه‌ور را برای تدوین نظریه‌اش در مورد افسردگی پس از زایمان توجیه کرده است. وی در پژوهش خود نگاهی جدید به موضوعی دارد که قبلاً به کمک نظریه پایه‌ور به طور گسترده با استفاده از رویکردهای پژوهش کمی بررسی شده است و دیدگاهی جدید ارائه می‌دهد. وی برای تکمیل پژوهش خود یافته‌های به دست آمده را با پژوهش‌های پدیدار شناختی درباره همین موضوع مقایسه می‌کند. برای این کار وی نظریه موجود را اصلاح کرده و آن را گسترش می‌دهد. این پژوهش دیدگاه اشتراوس و کوربین را مورد حمایت قرار می‌دهد که بر طبق آن نظریه‌های پایه‌ور را نباید به طور جداگانه مورد نظر قرار داد، بلکه باید آنها با نظریه‌های دیگر در همان میدان پژوهش مقایسه شوند. هوچینسون (۱۹۸۶) نیز تصور می‌کند که با استفاده از نظریه پایه‌ور می‌توان

آن فرهنگ را که به آن مشهور نیستند، توضیح می‌دهد. به دلیل اینکه شیوه رفتار افراد تحت تأثیر محیط آنهاست، ضرورت دارد که پایه‌ور که در آن نظریه پایه‌ور برای بررسی پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، به خوبی توصیف شده و در تحلیل داده‌ها مورد نظر قرار گیرد (مورس و فیلد، ۱۹۹۶). نظریه پایه‌ور را می‌توان در میانه پیوستار پژوهش‌های کمی/ کیفی قرار داد. همان طور که اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) بیان می‌کنند، گلیزر تحت تأثیر پاول لازارسفیلد^{۱۱} قرار داشت که تخصص وی روش‌های پژوهشی کمی بود. شاید به همین دلیل باشد که تعدادی از ویژگی‌های نظریه پایه‌ور با پژوهش کمی در ارتباط باشد. واژگانی که (گلیزر و اشتراوس ۱۹۶۷) در متن اصلی خود برای بیان اندیشه‌هایشان به کار بردند، شامل دقت، فرضیه و متغیر می‌باشد که به نظر می‌رسد از الگوی پژوهش‌های کمی گرفته شده باشند. زمانی که کتاب آنها نوشته شده بود، در پژوهش کیفی مبحث قابلیت اعتماد هنوز مورد نظر قرار نگرفته بود، بنابراین مفاهیم مورد نظر در زبان پژوهش کمی بیشتر در دسترس بودند.

داده‌ها در پژوهش کیفی به دست نیاید. اینکه کدام افراد نمونه‌گیری شوند، تحت تأثیر تحلیل داده‌ها می‌باشد؛ به همین دلیل، نمونه‌گیری موضوعی است که با در نظر گرفتن این موارد باید به آن مراجعه شود. در زیر مهم‌ترین ویژگی‌های نمونه در پژوهش‌های نظریه پایه‌ور آورده شده است (مورس و جانسون، ۱۹۹۱).

۱. شرکت‌کنندگان باید دارای دانش مربوط به پدیده مورد پژوهش باشند. به همین دلیل نمونه را نمونه هدفمند می‌نامند.
۲. شرکت‌کنندگان در تحقیق باید تمایل به شرکت در پژوهش داشته باشند.
۳. شرکت‌کنندگان باید برای شرکت در پژوهش وقت داشته باشند.
۴. ضرورت دارد که افراد شرکت‌کننده در پژوهش دیدگاه‌های خویش را بیان کنند.

با توجه به اهمیت نمونه‌گیری نظریه در این بخش انواع نمونه‌گیری‌ها در نظریه پایه‌ور را نام می‌بریم و مثال‌هایی برای آنها ارائه می‌کنیم، در حالی که در نظریه پایه‌ور نمونه‌گیری نظریه‌ای که معمولاً شامل انواع

نظریه موجود را روشن کرده و آن را وضوح بخشید.

۳-۲- نمونه

مانند دیگر پژوهش‌های کیفی، اندازه نمونه در نظریه پایه‌ور کوچک است. برای تدوین نظریه، کیفیت داده‌های گردآوری شده مهم است. یک خطر عمده در نمونه‌گیری، سوگیری آن است، برای مثال سوگیری به نفع افراد طبقه اجتماعی اقتصادی بالاست. هر فرد در نمونه چیزهایی را باید بیان کند. هر چند کیفیت داده‌های افرادی که کمتر چیزی برای بیان کردن دارند، ممکن است ضعیف باشد، داده‌های به دست آمده از این گروه از شرکت‌کنندگان ممکن است برای تأیید یا رد کردن یافته‌های به دست آمده از دیگران کافی باشد. اگر داده‌ها برای نیل به آن کافی نباشند، نمی‌توان آنها را در تدوین نظریه شرکت داد و بنابراین قابل استفاده نخواهند بود.

نمونه‌ای که انتخاب می‌شود، تأثیر عمده‌ای بر نظریه در حال تدوین دارد. نمونه‌گیری بنابراین موضوع مهمی است و باید قبل از شروع پژوهش آن را مورد ملاحظه قرار داد. اندازه نمونه توسط اشباع نظری طبقه‌ها تعیین می‌شود. اشباع نظری طبقه‌ها وقتی است که اندیشه‌های جدید از

شیوه‌های دیگر نمونه‌گیری است، جنبه غالب دارد.

نمونه‌گیری استثنایی یا کرانه‌ای نمونه‌ای است که گران‌بار از ویژگی مورد نظر پژوهشگر باشد. پاتون (۱۹۹۰) این شیوه نمونه‌گیری را مثال خوبی می‌داند که نظریه می‌تواند علیرغم کوچک بودن بر روی آنها ساخت و پژوهش‌های فروید نمونه‌ها معمولاً گران‌بار از نظریه هستند. وی تنها با یک نمونه واحد وسواس (در مورد موش مرد)، عقده ادیپ (کانس کوچک)، هیستری (آناو)، پارانویا (قاضی شراب) و اضطراب جنسی (گرگ مرد) را ساخت. در این نمونه‌گیری یک مورد غیر معمول می‌تواند پایه‌ور برای فهم موارد معمول را فراهم سازد. در نظریه پایه‌ور اکثراً از نمونه‌گیری استثنایی یا منحصر بفرد برای به چالش کشیدن نظریه پایه‌ور استفاده می‌شود و آن موقعی است که نظریه ساخته شده است، اما یک نمونه با آن تطابق نداشته و مصداق ندارد.

کی یگارد، فیلسوف بزرگ بیان کرده است که او مورد خوبی برای فلسفه هگل نیست، زیرا هر گاه همه انسان‌ها در این نظام قرار گیرند، او به صورت منحصر بفرد خود را مطابق با این نظام نمی‌داند. و بنابراین به

صورت یک برهان وجودی یا یک مثال خلف سعی می‌کند فلسفه هگل را رد کند.

در نمونه‌گیری تغییرات پیشینه مواردی انتخاب می‌شود که دامنه تغییرات پدیده مورد تحقیق را به خوبی نشان دهند و در نظریه پایه‌ور از آن در مرحله‌ای از نمونه‌گیری نظری استفاده می‌کند. یک نمونه از این پژوهش‌ها را مک کارتی^{۱۲} (۲۰۰۳) انجام داده است. پژوهش او که بر مبنای نظریه پایه‌ور انجام شده بود، استدلال پرستاران بالینی را در مورد فراموشی و گیجی و اغتشاش ذهنی در بیماران پیر مورد بررسی قرار می‌داد. و پرستاران را به صورت هدفمند انتخاب کرد تا دامنه‌ای از محیط‌های متفاوت پرستاری را در بر گیرند. این دامنه تغییرات بستگی به انواع آموزش، حیطه‌های خاص پرستاری و نیز محیط‌های مورد نیاز مراقبت متفاوت مربوط می‌شد. در مقابل این رویکرد نمونه‌گیری متجانس قرار داد که هدف آن انتخاب یک نمونه از موارد مشابه است تا از این طریق گروهی که نمونه معرفی آن می‌باشد، به صورت ژرف‌تری مورد بررسی قرار گیرد. در نظریه پایه‌ور پس از ساختن نظریه معمولاً از این نمونه‌گیری استفاده می‌کند. میزان اعتمادپذیری داده‌ها افزایش یابد. همچنین در نظریه پایه‌ور ممکن است از

12. Mc Carthy

مصاحبه‌هایی که ضبط کرده بودند، به گردآوری داده‌ها پرداختند. اگر شما از ضبط صوت استفاده می‌کنید، به خاطر بسپارید که قبل از شروع ضبط مطمئن شوید که دستگاه شما به درستی کار می‌کند. برای احتیاط مفید است که همراه خود باتری و مبدل‌های لازم را همراه داشته باشید. برای اینکه مبادا باتری‌ها در حین کار غیرقابل استفاده شوند، منابع انرژی جایگزین همراه داشته باشید.

مصاحبه‌ها، پژوهشگر را قادر می‌سازد که داده‌ها را به زبان خود شرکت‌کنندگان در تحقیق جمع‌آوری کند. اگر می‌خواهید شرکت‌کنندگان فرصت داشته باشند درباره مواردی که برای آنها مهم است، آزادانه سخن بگویند، از سؤال‌های باز استفاده کنید. این کمک می‌کند که پژوهشگران دیدگاه‌های خود را بر تحقیق تحمیل نکنند. مصاحبه‌های غیرساختاری معمولاً با یک یا دو سؤال باز مرتبط هستند. هرچند با شکل گرفتن نظریه از میان داده‌ها فرایند گردآوری داده‌ها متمرکز شده و به نحوی تغییر می‌کند که پژوهشگر بتواند در مواردی تمرکز کند که تدوین نظریه را تسهیل می‌کند که به‌طور مفهومی فشرده باشد (می، ۱۹۹۱).^{۱۵} نظریه از نظر مفهومی فشرده، طبق گفته اشتراوس

نمونه‌گیری زنجیره‌ای استفاده گردد. در این نوع نمونه‌گیری باید یافته‌ها از افرادی به دست آید که در زمینه مورد نظر اطلاعات لازم را دارد. در پژوهش‌های کیفی به همین دلیل گاهی به جای واژه آزمودنی یا مشارکت‌کننده در تحقیق از واژه مطلع استفاده می‌گردد. معمولاً این نمونه‌ها از یکدیگر اطلاع داشته و پژوهشگر به گونه‌ای اطلاعات نمی‌تواند این نمونه را بیابد. یافتن فواحش یا معتادان، مثالی از این نمونه می‌باشد. با دسترسی به یک فرد مطلع می‌تواند به صورت زنجیره‌ای بقیه آنها را یافت. دکین سون^{۱۳} و دیگمن^{۱۴} (۲۰۰۲) از این طریق توانستند مادرانی را بیابند که کودکان آنها در مراحل قبل از دبستان دچار آسم حاد بودند. آنها توانستن از طریق این نمونه نظریه‌ای برای نحوه مدیریت این بیماری در میان کودکان بسازند. یک نمونه‌گیری کامل در نظریه پایه‌ور مجموعه همه اینها را در بر می‌گیرد که در بخش نمونه‌گیری نظری به آن پرداخته می‌شود.

۳-۳- گردآوری داده‌ها

داده‌ها را به روش‌های گوناگون می‌توان گردآوری کرد. برای یادگیری درباره تجارب تولد زنان، بلاف و هالووی (۱۹۹۴) از طریق

13. Dickingson
14. Digman

و کوربین (۱۹۹۴)، به معنی تدوین نظریه‌ای است که در آن مفهوم‌ها به وضوح با یکدیگر ارتباط داشته باشند و تغییرات متعددی در پدیده مورد نظر مشخص شده باشد. به همین دلیل مصاحبه‌ها معمولاً به صورت نیمه ساختاری در حین انجام پژوهش صورت می‌گیرند. مفید است که پژوهشگران در هنگام مصاحبه، مفاهیم کلیدی را به عنوان راهنمای مصاحبه فهرست کنند تا از این طریق مواردی که اشاره به آنها ضروری است، فراموش نشود (هاچینسون ۱۹۸۶). هنگامی که مصاحبه دارای فرایندی شبیه به مکالمه باشد، دامنه وسیعی از داده‌هایی که دارای جزئیات و عمق کافی هستند، جمع‌آوری می‌گردد. زیرا در گفتگو هنگامی که بحثی پیش آید، موضوع مربوط به آن در هنگام گفتگوی دو نفر با جزئیات و عمق بیشتری مطرح می‌شود (کوچمن و داوسون^{۱۶} ۱۹۹۵). اگر مفاهیم با اهمیت در تدوین نظریه توسط شرکت‌کنندگان در پژوهش ذکر نشود، پژوهشگر می‌تواند سؤالاتی بپرسد که نظر او در این مورد حاصل شود و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان را دریابد. مراقب باشید که هنگام طرح چنین پرسش‌هایی از طرح سؤالات جهت‌دار بپرهیزید. در این صورت

احتمالاً پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش، پاسخی به اندیشه‌های متعصبانه شما می‌باشد و به ضرورت نشان‌دهنده عقاید و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان نیست. این رویکرد به مصاحبه ممکن است گاهی سبب شود موضوعاتی پدید آیند که پژوهشگر قبلاً در مورد آنها هرگز نیندیشیده باشد. همچنین ممکن است توسط مشاهده رویدادها یا موقعیت‌ها گردآوری شود. در نظریه پایه‌ور این یک راهبرد مطلوب برای جمع‌آوری داده‌هاست، زیرا تعامل افراد با یکدیگر و نیز با محیطشان راه، از طریق یک مشاهده‌گر عینی ممکن می‌سازد. این شاهد عینی به تفسیر تعامل‌ها خواهد پرداخت. مشاهده شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان دهنده ایفای نقشی برای پژوهشگر است که او در درون محیطی قرار داشته که در آنجا پژوهش می‌پردازد. مشاهده غیرمشارکتی نظیر پرواز برفراز آسمان‌ها و نداشتن پای استوار در محیط پژوهشی است. کِرک هام (۱۹۸۷) بعضی از مشکلات و دشواری‌های مشاهده غیرمشارکتی را برشمرده است. می‌توان روش‌های گردآوری داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد. بولر^{۱۷} (۱۹۹۳) دو روش مشاهده غیرمشارکتی و مصاحبه را برای گردآوری

آگاهی از این امر که در پژوهش کیفی، پژوهشگر خود ابزار پژوهش است، اهمیت دارد. چون پژوهشگر ممکن است ندانسته بر شرکت‌کنندگان در تحقیق و گردآوری داده‌ها تأثیر گذارد. هاجینسون (۱۹۸۶) توصیه می‌کند که پژوهشگر بهتر است یادداشت‌هایی از تفکر خویش را تدارک ببیند تا از این طریق وی از تأثیری که ممکن است بر شرکت‌کنندگان در تحقیق و داده‌های گردآوری شده بگذارد، آگاه شود. از این طریق پژوهشگران می‌توانند بیندیشند که چگونه آنها بر شرکت‌کنندگان در تحقیق تأثیر دارند یا در عمل چگونه شرکت‌کنندگان در تحقیق بر پژوهشگر تأثیر دارند و تأثیر آن بر پژوهش چیست؟ پژوهشگران می‌توانند تجارب خود را از فرایند پژوهش و یا تجارب خود در رابطه با موضوع تحت بررسی را بازتاب دهند. آنها همچنین ممکن است اندیشه‌های خود را که قبل از پژوهش وجود داشته است و نیز باورها و ارزش‌های قبلی خویش را ارائه دهند (هاجینسون، ۱۹۸۶).

برای گردآوری داده‌ها گاهی می‌توان از زمان‌بندی دقیق رفتارهای شرکت‌کننده در پژوهش استفاده کرد. بک^{۱۹} (۲۰۰۲) در پژوهش خود در مورد مادرانی که دارای

داده‌ها ترجیح داده است؛ در حالی که (برایست^{۱۸}، ۱۹۹۲ و بک، ۱۹۹۳) روش پژوهش خود را مشاهده مشارکتی در ترکیب با مصاحبه انتخاب کرده‌اند. ترکیب روش‌های گردآوری داده‌ها می‌تواند به پژوهشگر کمک کند که صحت داده‌ها را دریابد. چیزی که شرکت‌کنندگان در پژوهش به محقق می‌گویند ضرورتاً منطبق بر واقعیت‌ها در عمل نیست و ترکیب در روش‌ها می‌تواند صحت گفته‌های آنها را محقق سازد.

منابعی وجود دارد که می‌توان برای گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار داد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۴). می‌توان برای ضبط مشاهده‌ها و نیز تعامل بین افراد از ویدیو استفاده کرد، اما باید مراقب بود که مشکلات اخلاقی در ضبط آنها پیش نیاید. برای بهبود روش‌های گردآوری داده‌ها می‌توان از یادداشت‌های میدانی استفاده کرد. از این طریق، پایه‌ور که پژوهش در آن روی می‌دهد و جنبه‌های ارتباطات غیرکلامی ضبط می‌شود. یادداشت‌های میدانی به‌خصوص در جمع‌آوری داده‌هایی که از مشاهده به دست آمده‌اند، اهمیت دارد. زیرا ممکن است این تنها وسیله برای ضبط داده‌ها باشد (مورس و فیلد، ۱۹۹۶).

فرزند دو قلو بودند، در روزهای متوالی رفتار آنها را در ۲۴ ساعت ثبت کرد. نمونه جدول زمانی او در زیر ارائه شده است.

۳-۴- تحلیل داده‌ها

قبل از آنکه داده‌ها تحلیل شوند، ابتدا باید به رشته تحریر درآیند. یعنی مشاهده‌ها و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به صورت نوشتاری، کلمه به کلمه ثبت شوند. به یاد

داشته باشید که نوشته شما باید شامل ثبت سرفه‌ها، خنده‌ها، توقف‌ها و نیز ایما و اشارات شرکت‌کنندگان در تحقیق باشد، زیرا همه آنها بر تفسیر شما از داده‌ها تأثیر دارد. هالووی (۱۹۹۷) و مورس و فیلد (۱۹۹۶) جزئیات عملی در مورد اینکه ثبت نوشتاری مصاحبه‌ها و مشاهده باید شامل چه چیزهایی باشد، ارائه داده‌اند. داده‌ها از طریق

به دوقلوها غذا می‌دهد و پوشک آنها را عوض می‌کند.	6:00 am	به دوقلوها غذا می‌دهد و پوشک آنها را عوض می‌کند.	3 pm	۱۶ بظری برای فردا آماده کنید	10 pm
دوقلوها را حمام می‌کند	7:30 am	اندکی ضعیف دارد، دستپايش می‌لرزد و احساس گیجی دارد. در می‌یابد که همه بعد از ظهر چیزی نخورده است. اندکی میوه (سیب) می‌خورد غذا را کامل می‌کند.	4:30 pm	خواب	11 pm
به دوقلوها غذا می‌دهد و پوشک آنها را عوض می‌کند.	9 am	همسرش به خانه می‌رسد	5:30 pm	به دوقلوها غذا می‌دهد و پوشک آنها را عوض می‌کند	12 midnight
ظرف‌ها را می‌شوید کمی خانه را تمیز می‌کند	10:30 am	به دوقلوها غذا می‌دهد، پوشک آنها را عوض می‌کند، همسرش به او کمک می‌کند.	6 pm	خواب	1:30 am
به دوقلوها غذا می‌دهد و پوشک آنها را عوض می‌کند.	12 noon	شام دوقلوها سروصدا می‌کنند	7:30 pm	به دوقلوها غذا می‌دهد و پوشک آنها را عوض می‌کند	3 am
مقدمات شام را تهیه می‌کند کمی خانه را تمیز می‌کند.	1:30 pm	به دوقلوها غذا می‌دهد، پوشک آنها را عوض می‌کند، همسرش به او کمک می‌کند.	9 pm	خواب	4:30 am
				کار روز بعد را از سر می‌گیرد	6:00 am

جدول زمانبندی برای مطالعه دو قلوها

با استفاده از این روش تحلیل داده‌ها، تعداد قابل ملاحظه‌ای از مفاهیم را می‌توان از دل داده‌ها بیرون کشید. مفاهیم مشابه را می‌توان در ارتباط با یکدیگر قرار داده و از طریق آنها طبقه‌ها یا سطح دو رمزها را پدید آورد. (هاچینسون^{۲۰}، ۱۹۸۶). بنابراین از طریق این روش، داده‌ها مرتب می‌شوند. این طبقه‌ها را می‌توان بار دیگر برای رسیدن به سطح انتزاعی بالاتر نامگذاری کرد. برای مثال، مفاهیمی از قبیل «اعتماد»، «پذیرش»، و «اعتماد کورکورانه» که از مصاحبه به دست آمده‌اند، طبقه‌ای را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را اعتقاد به ارزش‌های برین نام‌گذاری کرد (بلاف و هالوی^{۲۱} ۱۹۹۴). ارتباط بیشتر و نیز تقلیل تعداد این طبقه‌ها برای تشکیل طبقه‌های بزرگ‌تر محوری (اشتراوس و کوبین^{۲۲} ۱۹۹۸) کمک می‌کند که طبقه‌ها به نحوی با یکدیگر مربوط شوند که مواردی از قبل متن و شرایطی که تحت آن پدیدارها رخ می‌نمایند، بازشناسی شوند و نیز پیامدهایی مرتبط با این رخدادها شناسایی شوند. فرایند رمزگذاری گزینشی (اشتراوس و کوربین ۱۹۹۸). پدیدآیی و ظهور طبقه هسته‌ای یا

روش مقایسه‌ای پایا تحلیل می‌شوند. در این روش گردآوری و تحلیل داده‌ها فرایندهای موازی هستند (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷). بنابراین داده‌ها گردآوری و تحلیل می‌شوند و این فرایند تا جایی که ضرورت دارد، تکرار می‌شود. از همان اولین مرحله فرایند پژوهش مفاهیم درون داده‌ها مشخص می‌شوند. رمزگذاری شامل نام نهادن بر حوادث، اندیشه‌ها و رویدادهاست، تا از این طریق داده‌ها معنی یابند. (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). این رمزها را ذاتی می‌نامند. دلیل این نامگذاری این است که آنها به ذات داده‌ها متکی هستند و می‌توانند به صورت رمزهای زنده، یعنی کلماتی که شرکت‌کنندگان در تحقیق به کار می‌برند، باشد. این رمزها ممکن است کلماتی باشد که پژوهشگر آنها را مشخص می‌کند تا از این طریق داده‌ها را معنی کند. هاچینسون (۱۹۸۶) این سبک از رمزها را سطح یک می‌نامد. هر مصاحبه با مجموعه داده‌ها مورد مقایسه قرار گرفته و هنگامی که اندیشه‌های جدیدی پدید آیند، مقایسه‌های بعدی صورت خواهند گرفت. ثبت داده‌ها در نیمی از کاغذ که در نیمه دیگر آن رمزگشایی این داده‌ها صورت می‌گیرد، می‌تواند برای پژوهش نظریه پایه‌ور مفید باشد.

خط اصلی داستان^(۳) را تسهیل می‌کند. طبقه هسته‌ای به همه طبقه‌های دیگر مربوط است و توضیحی در مورد اینکه مردم در یک محیط اجتماعی خاص رفتار می‌کنند، ارائه می‌دهد. همان طور که مفاهیم از دل داده‌ها پدید می‌آیند، نظریه را نیز می‌توان از آن استخراج کرد. بک (۱۹۹۳) یک توصیف عالی از سطوح مختلف رمزها ارائه داده است.

می‌توان کاربرد سطوح مختلف رمزها را در پژوهش‌های وی یافت. برای مثال در پژوهش پیش‌گفته در مورد سطوح مختلف رمز گذاری در پژوهش دو قلوها، وی در مرحله اول ۵ رمز را به دست آورده است: لذت بردن از دو قلوها، شگفتی، جلب توجه، احساس مورد نظر بودن خداوند و پیوند دو قلوها.

۳-۵- طبقه هسته‌ای

طبقه هسته‌ای یا خط اصلی داستان مفهوم اصلی یا مرکزی است که از دل داده‌ها بیرون کشیده شده است. طبقه هسته‌ای توضیح می‌دهد که در محیط اجتماعی چه روی داده است. اما تنها وقتی این خط اصلی داستان ظاهر می‌شود که پژوهش به مرحله نهایی خویش نزدیک شود (اشتراوس، ۱۹۸۷). ویژگی‌های دیگری نیز با این طبقه هسته‌ای ارتباط دارند (اشتراوس، ۱۹۸۷). برای

مثال خط اصلی داستان را می‌توان در داده‌ها به‌طور مکرر یافت و نیز خط اصلی داده‌ها همه داده‌های دیگر را نیز به یکدیگر مربوط می‌کند. تنوع داده‌ها را نیز می‌توان از طریق طبقه هسته‌ای توضیح داد. این تنوع در چگالی مفهومی^{۲۳} نظریه سهم دارد. وقوع و گسترش تنوع در داده‌ها به این دلیل است که تعداد اندکی از افراد یا موارد مرکزی دقیقاً مطابق‌اند (اشتراوس و کوربین ۱۹۹۸).

طبقه هسته‌ای یا فرایند اجتماعی که در پژوهش بک (۱۹۹۳) پدیدار شده است، عبارت از آن بود که زنانی که از افسردگی پس از زایمان رنج می‌بردند، فقدان کنترل را به شکلی شدید تجربه می‌کردند؛ تا حدی که بین سلامت عقل و از دست دادن آن در نوسان بودند. پژوهشگر دریافت که برای درک این فرایند لازم است بتواند زیر طبقه‌هایی را تدوین کند و از طریق آن راهبردهایی را بشناسد که با استفاده از آن زنان با عدم کنترلی که ادراک می‌شود، به مقابله برخیزند. فرایند پیوند طبقه‌ها با یکدیگر و کاهش آنها را لفلند و لفلند (۱۹۸۴، ص ۱۳۸) تقلا و کشاکش برای حذف^{۲۴} نامیده‌اند. تقلا و کشاکش برای حذف به این معنی است که اطلاعات یا مفاهیمی

23. Conceptual density

24. Agony of omission

با رمزهای متعدد رو به رو شود که به نظر می‌رسد این رمزها رابطه‌ای با یکدیگر ندارند. پژوهشگر درحالی که از نتیجه نهایی تحقیق خود آگاه نیست، ناگزیر است به‌طور ثابت در تاریکی با گام‌های بزرگ به پیش رود که می‌تواند در مواردی او را دچار یأس و ناکامی سازد. هرچند مهم است که پژوهشگر با اطمینان به فرایند پژوهش آسوده باشد. در این مرحله به‌خصوص مفید است که پژوهشگر با همکاران خویش به بحث بنشیند. بیان کلامی یافته‌های پژوهش ممکن است سبب تدوین سؤال‌های جدید و اندیشه‌هایی شود که در تقابل با اندیشه‌های همکاران پژوهش سبب ارتقای درک پژوهشگر از آن خواهد شد.

۳-۶- اشباع نظری

هنگامی طبقه‌ها به لحاظ نظری اشباع می‌شوند که داده‌های جدید از طبقه‌ها در خلال گردآوری و تحلیل بیشتر داده‌ها به دست نیاید (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). اصلاح و تعقیب محتوای مصاحبه تا هنگامی که همه طبقه‌ها اشباع شوند، باید ادامه یابند (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷). در هر^{۲۶} (۱۹۹۴) استدلال می‌کند که برای رسیدن طبقه‌ها به اشباع، پژوهشگر کیفی باید به میزان یا

که پژوهشگر درصدد بیان آن به دیگران است، باید از گزارش نهایی پژوهش به این دلیل حذف شود که با خط اصلی داستان مطابقت ندارد (گلیزر، ۱۹۸۷). البته این به این معنی نیست که آنها باید نادیده گرفته شوند، زیرا شرکت‌کنندگان در پژوهش علاقه‌مند هستند که داستان آنها بازگفته شود. بنابراین اگر پژوهشگر در آینده فرصتی بیابد، باید بسته به دامنه آن فرصت مقاله‌های دیگری را برای انتشار آماده سازد که حاوی این بخش‌های حذف شده باشد. اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) معتقدند روش‌های روشنی برای پرداختن نظریه پایه‌ور وجود دارد؛ هرچند که روش نظامدار و مفصل انجام این نوع پژوهش ممکن است دستوری (تجویزی) به نظر آید. اشتراوس (۱۹۸۷) استدلال می‌کند که رویه‌های خاصی را می‌توان برای انجام پژوهش پایه‌ور دنبال کرد، اما در محدوده این رویه‌های خاص پژوهشگر باید آزادی عمل داشته باشد. یک مزیت پژوهش انجام شده، توانایی پژوهشگر در فائق آمدن به ابهام پژوهش است (گلیزن و پشکین^{۲۵}، ۱۹۹۲). فقط هنگامی خط اصلی داستان پدیدار می‌شود که رابطه بین رمزها و طبقه‌ها آشکار شده باشد. تا آن زمان، پژوهشگر باید

کمیت داده‌های مربوط به هر جنبه پدیده تحت مطالعه توجه کند. این متناظر با توجهی است که پژوهشگر کمی به میزان و اندازه‌گیری داده‌ها معطوف می‌کند. در هر (۱۹۹۴) درباره خطر توجه به گردآوری داده‌ها تا زمان رسیدن به اشباع هشدار می‌دهد. وی تصور می‌کند که در صورت انجام آن بقیه مفاهیم یا طبقات مهم، ممکن است پدیدار نشده و مورد بحث قرار نگیرند. وی برای این باور خود هیچ توضیحی ارائه نکرده است، اما هرگاه پژوهشگر از قبل ذهن خویش را با اشباع طبقه‌های خاصی اشغال کند، ممکن است سبب شود که از طرح سؤالات پژوهشگر که موجب سهولت پدیدآیی موارد دیگر می‌شود، بازداری شود. تعداد شرکت‌کنندگان در پژوهش بر مبنای نظریه پایه و از طریق اشباع نظریه هر طبقه تعیین می‌شود (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷)؛ با این حال تعداد شرکت‌کنندگان در پژوهش تا به حال به‌طور کامل مشخص نشده است. مورس^{۲۷} و جانسون (۱۹۹۱) مورد دیگری را که بر تعداد شرکت‌کنندگان در پژوهش تأثیر دارد، عبارت از میزان بیان آنها می‌دانند: هنگامی که بعضی از شرکت‌کنندگان کمتر به بیان مطالب بپردازند، اندازه نمونه برای

رسیدن به اشباع نظری باید بزرگ‌تر باشد و این ممکن است برای پژوهشگری که زمان محدودی برای تکمیل تحقیق خود دارد، مسئله آفرین شود.

۳-۷- یادداشت و نمودارها

تفکر انتزاعی درباره داده‌ها را به شکل یادداشت ثبت می‌کنند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). یادداشت وسیله‌ای برای سازماندهی و کنترل داده‌هاست. همان‌طور که نظریه در حال تدوین شدن است، این یادداشت‌ها با جزئیات بیشتری به دست می‌آید و مبنایی برای نوشتن گزارش نهایی را شکل می‌دهد. هر یادداشت شامل ثبت حیطه‌هایی درباره داده‌ها یا مفهوم سازی داده‌ها و سؤالاتی است که در نتیجه این فرایند مطرح می‌شوند. همچنین صورت‌بندی فرضیه‌ها و اندیشه در مورد این که مفاهیم چگونه به یکدیگر مربوط می‌شوند، در این یادداشت‌ها ثبت می‌شوند. (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). نوشتن یادداشت‌ها، فرایندی مداوم در خلال پژوهش است و چیزی که در آنها نوشته می‌شود، سهم عمده‌ای در تدوین نظریه دارد. یادداشت‌ها را می‌توان درباره هر مفهومی نوشت. همان‌طور که داده‌های بیشتری جمع‌آوری شده و تحلیل می‌گردند، می‌توان این یادداشت‌ها را بازنگری کرد و

نمونه‌گیری باز^{۲۸} انجام شود. نمونه‌گیری باز به این معنی است که پژوهشگر در مصاحبه با هر شرکت‌کننده، مشاهده هر رویداد و یا بررسی هر سند که ممکن است داده‌های مورد نیاز پژوهش را فراهم کند، به صورتی باز عمل کند. هنگامی که موارد مهم ظاهر شدند، آنگاه نمونه‌گیری نظری^{۲۹} اولویت پیدا می‌کند. این نوع از نمونه‌گیری تدوین نظریه، سبب تسهیل در تدوین نظریه می‌شود، زیرا کمک می‌کند که پژوهشگران مطلوب برای تحلیل داده‌ها انتخاب شوند. در مواردی ممکن است نمونه‌گیری نظری افراد میسر نباشد. مفاهیم نیز ممکن است از این طریق نمونه‌گیری شوند و آن هنگامی است که افراد به‌طور خودبه‌خود درباره مفاهیم خودشان سخن نگویند. در آن صورت باید درباره آن موارد از افراد سؤال کرد. نظریه‌ای که به این صورت پدیدار می‌شود، بر گردآوری داده‌ها ناظر است (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷).

شرکت‌کنندگان در تحقیق که مفاهیم و طبقه‌ها را تأیید و یا رد می‌کنند و یا احتمالاً دیدگاه متفاوتی بر رویدادها دارند، باید به شکل عمدی انتخاب شوند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). از این طریق نظریه‌ای که از نظریه متراکم مفهومی که در آن مفاهیم به

همان‌گونه که رابطه بین رمزها و مفاهیم شناخته شدند و تعداد آنها برای تشکیل طبقات کاهش یافت، محتوای تعدادی از یادداشت‌ها را می‌توان در هم ادغام و بازنگری کرد و تحت عنوان یک طبقه آنها را ثبت کرد. این رویکرد گردآوری تحلیل و ثبت داده‌ها می‌تواند منجر به تولید حجم عظیمی از کلمات شود. مورس (۱۹۹۳) هشدار می‌دهد که پژوهشگر نباید در میان داده‌ها غرق شود. احساسی که توسط بسیاری از پژوهشگران بی‌تجربه نظریه پایه‌ور تجربه می‌شود.

رابطه بین رمزها و طبقات را می‌توان به شکل نمودارهایی به صورت بصری ارائه داد. بک (۱۹۹۳) مثال خوبی از این قبیل را ارائه کرده است. نمودارها این امتیاز را دارند که به صورت گرافیکی محتوای یادداشت‌ها را به صورتی روشن و موجز نمایش می‌دهند و از این طریق شکاف بین دانش موجود و داده‌های فراتری که گردآوری آنها ضرورت دارد، مشخص می‌شود (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

۳-۸- نمونه‌گیری نظری

اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) در مراحل اولیه پژوهش که معلوم نیست داده‌ها مربوط و یا نامربوط هستند، توصیه می‌کنند که

خوبی ادغام شده‌اند، تدوین می‌شود. یادآوری این نکته مهم است که رابطه بین گردآوری داده‌ها و تحلیل اهمیت دارد. اگر همه داده‌ها در همان آغاز گردآوری شوند، پاسخ دادن به سؤالاتی که از داده‌ها تولید می‌شوند، نامیسر است و نمونه‌گیری نظری در اینجا رخ نخواهد داد، مگر اینکه تحلیلگر بعضی از تحلیل‌ها را در ذهن خویش انجام دهد.

پولیت و بک (۲۰۰۶) پنج مرحله نمونه نظریه را به صورت زیر برشمردند:

۱- در مرحله اول پژوهشگر از یکی از شیوه‌های نمونه‌گیری هدفمند یا آسان استفاده می‌کند. در این مرحله پژوهشگر با نمونه‌گیر باید دریابد که کجا و با چه کسی پژوهش را باید آغاز کند.

۲- در مرحله بعدی راهبرد نمونه‌گیر تغییرات پیشینه باید استفاده گردد تا دامنه و پیچیدگی پدیده مورد نظر مشخص شود.

۳- باید در این مرحله پژوهشگر باید فرایندهای نمونه‌گیری را برای درک پیشینه طبقات مورد استفاده قرار دهد. به این ترتیب باید با فشردن مفهومی نمونه‌های مورد نظر را انتخاب کند.

۴- در این مرحله نمونه‌گیری باید تا اشباع کامل ادامه یابد.

۵- در مرحله آخر باید به نمونه‌های استثنایی که نظریه را مورد تردید قرار می‌دهند و نیز نمونه‌هایی که کاملاً با پژوهش مطابق هستند، به عنوان دو سر کرانه یافته شوند تا نظریه تقویت و پالوده گردد.

۳-۹- حساسیت نظری

حساسیت نظری یکی از ملزومات اساسی تدوین نظریه‌ای است که زمینه آن در داده‌ها وجود دارد. منظور گلیزر و اشتراوس (۱۹۶۷) از این واژه این است که پژوهشگران باید بتوانند خود را در دل داده‌ها غوطه‌ور ساخته و به آنها معنی بدهند. بنابراین توانایی اینکه محقق بتواند دریابد کدام داده به نظریه پدیدار شده مربوط می‌شود، یکی از شرایط اساسی محقق می‌باشد. ممکن است بعضی‌ها تصور کنند که حساسیت پیش‌نیاز ضروری تحلیل همه داده‌های کیفی است. هرچند این موضوع تاحدی درست است، حساسیت برای مردم‌نگاران و پدیدارشناسان در معنی دادن و تفسیر داده‌ها بیش از تدوین نظریه مهم است، که این مورد آخر مطلوب پژوهشگران نظریه پایه‌ور است.

دانش شخصی و حرفه‌ای و تجربه می‌تواند حساسیت پژوهشگر به داده‌ها را افزایش دهد. (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). برعکس، این ویژگی‌ها در مواردی عیب

موارد اخلاقی در پژوهش‌های کیفی گاهی متفاوت از پژوهش‌های کمی می‌باشد که در نظریه پایه‌ور به خصوص این دشواری در اجرا بیشتر می‌گردد، مثلاً رضایت آگاهانه مربوط به یک بار اجرای پژوهش است، در حالی که در نظریه پایه‌ور محقق از رویدادهایی که در آینده پیش خواهد آمد، اطلاعی ندارد. به عبارت دیگر ممکن است رویدادهای بعدی برای او غیر قابل پیش‌بینی باشند. بنابراین علاوه بر رضایت آگاهانه نیاز به اخذ رضایت از فرایند نیز در پژوهش‌های مربوط به نظریه پایه‌ور وجود دارد.

حساسیت نظری را می‌توان از طریق استفاده مناسب از ادبیات موجود افزایش داد (گلنزر ۱۹۷۸). اگر مفاهیم موجود در ادبیات منتشر شده با یکدیگر سازگار باشند، پژوهشگر بهتر می‌تواند حضور آنها را در متن داده‌های خویش تشخیص دهد و در مواردی که آنها در متن وی حضور ندارند، فقدان آنها را تشخیص داده و بنابراین از شرکت‌کنندگان بعدی در تحقیق سؤالات مرتبط با این مفاهیم را بپرسد تا دریابد چرا شرکت‌کنندگان قبلی به این مفاهیم اشاره نکرده‌اند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

پژوهشگر است. اگر پژوهشگر به وجود اندیشه‌های از قبل شکل گرفته میزان آشنایی با داده‌ها وقوف نداشته باشد، ممکن است سبب کاهش حساسیت وی شود. همه تأثیرات پژوهشگر اعم از هر نوع باید در متن پژوهش تصریح شود. تسلط خوب به زبان انگلیسی^(۴) کمک می‌کند که پژوهشگر به خوبی بتواند طبقات و رمزها را نامگذاری کرده و بنابراین بر حساسیت نظریه پژوهش بیفزاید. به همین دلیل یک فرهنگ لغات ابزاری ضروری برای پژوهشگران نظریه پایه‌ور است.

لاتر باخ (۲۰۰۱) در پژوهش خویش برای افزایش حساسیت نظری در مورد مادرانی که پس از مرگ کودکان خویش داغدار آنها بودند، از رویکردی استفاده کرد که آن را گوش دادن مسترسانه نامید. وی از مثال‌هایی از شعر و نقاشی استفاده کرد، مثلاً شکسپیر در مورد فرزند خویش را در سال ۱۷۷۲ در سوگ دختر خویش کشید. برای افزایش حساسیت نظری لاترباخ خود را با این مفاهیم دم‌خور و دمساز کرد تا چشمان تیزبین خود را هنگامی بر روی نشانه‌های مرتبط نبندد. این مثال یادآور نصیحت فلور است که هنگامی که بر سر بازار می‌روی، هر چیزی را که می‌بینی به دقت یادداشت کن.

۳-۱۰- کاربرد پیشینه پژوهشی

بازنگری در پیشینه پژوهشی که باید از همان آغاز پژوهش به‌طور مفصل انجام گیرد و در انواع پژوهش‌های کمی به آن توصیه شده، در نظریه پایه‌ور نامناسب است (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷، اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). دلیل آن افزایش خطرپذیری تدوین اندیشه‌های از قبل شکل گرفته است که از تدوین نظریه‌بازداری می‌کند. به هر حال تکمیل پیشنهادی پژوهش تضمین می‌کند که بازنگری پیشینه پژوهشی تا حدی انجام گیرد (چنیتز و سوانسون، ۱۹۸۶). انجام پیشنهادی پژوهش از این نظر مزیت دارد که در حد مورد نیاز بازنگری بر پیشینه پژوهش انجام می‌شود. یک نگاه اجمالی کلی بر بازنگری پیشینه به پژوهشگر کیفی کمک می‌کند که رویکرد انتخاب شده را توجیه کند (دوپوی و ژیتلین، ۱۹۹۳). و نیز احتمال تکرار پژوهش را کاهش می‌دهد. موریس و جانسون (۱۹۹۱) به هر حال در مخالفت با این رویه در بازنگری پیشینه این ضرورت را مشخص کرده‌اند که باید دانش حاصل از آن را به کناری نهیم تا از گردآوری داده‌های تأثیرپذیر از اندیشه‌های قالبی پژوهشگر بازداری شود. شما ممکن است از خود سؤال

کنید که نیل به این هدف در واقع چگونه میسر است. مشخص کردن اینکه در یک موضوع چه حیطه‌هایی شناخته و چه زمینه‌هایی ناشناخته وجود دارد، به پژوهشگر کمک می‌کند که دامنه پژوهش خود را پالوده سازد (گلسنه و پشکین، ۱۹۹۲). اهمیت حیطه یک عنوان پژوهشی و اینکه چگونه یافته‌های یک پژوهش به بدنه یک دانش تزریق می‌شود نیز باید مشخص شود (چنیتز و سوانسون، ۱۹۸۶). هرچند بازنگری اولیه در پیشینه باید به شکلی محدود انجام گیرد، اما ارجاع به پیشینه در کل زمان پژوهش باید ادامه یابد. به این معنی که در نهایت پیشینه پژوهش باید به شکلی گسترده بازنگری شود و همزمان با پدیدار شدن یافته‌ها با دانش موجود در آن موضوع مقایسه شود. (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸، موریس و جانسون، ۱۹۹۱). شواهد موجود ممکن است از یافته‌های پژوهشگر حمایت کند. در صورتی که ناهمخوانی بین یافته‌های پژوهشگر و پیشینه وجود داشته باشد، دلایل آن باید بررسی شود. بنابراین پیشینه ممکن است سؤال‌هایی را ایجاد کند که بر گردآوری داده‌های بعدی تأثیر گذارد. از این طریق پیشینه پژوهش با داده‌ها

32. Glesne and Peshkin

30. Chenitz and Swanson

31. De Poy and Gitlin

نظریه پایه‌ور تا جایی خوب است که ملاک‌های برازش^{۳۳}، درک‌پذیری^{۳۴}، تعمیم^{۳۵} و ناظر بودن به داده‌ها^{۳۶} را داشته باشد (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷). هنگامی یک نظریه دارای برازش است که واقعیت همه کسانی را که در موضوع مربوط به حیطه پژوهش درگیر هستند، بازتاب دهد. این ممکن است شامل زنان باردار و ماماها و دانشجویانی باشد که از زنان باردار مراقبت می‌کنند. به همین دلیل نظریه توسط همه افراد درک شده و به همین دلیل نظریه را درک‌پذیر می‌گویند. چون این نظریه مربوط به آن افراد است و از این طریق نظریه اعتبار دارد. یادآوری این نکته مهم است که دیدگاه افراد از واقعیت فرق دارد و تا حدی به تجارب گذشته آنها و محیطی که پدیده در آن بررسی می‌شود، بستگی دارد. گلیزر و اشتراوس (۱۹۶۷) باور دارند که اگر نظریه از نظر مفهومی متراکم باشد، در آن صورت به سطحی از انتظار رسیده است که می‌توان آن را در محیط‌های دیگری که پدیدار مورد نظر وجود دارد، به کار برد. بنابراین، این نظریه قابلیت تعمیم دارد. لینکلن و گوبا^{۳۷} (۱۹۸۵)

هماهنگی می‌یابد. ارجاع به پیشینه پژوهشی همچنین پژوهشگر را قادر می‌سازد که پدیده را از دید رشته‌ها و یا متون دیگر اجتماعی بنگرد و از این طریق نظریه خویش را گسترش دهد.

۳-۱۱- نظریه

همان‌طور که اشتراوس و کوربین (۱۹۹۴) بیان داشته‌اند، تفاوت اصلی بین نظریه پایه‌ور و رویکردهای دیگر کیفی که اهمیت بیشتری دارد، به تدوین نظریه مربوط می‌شود. فرایند گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها سبب می‌شود که از این داده‌ها نظریه ایجاد شود. نظریه از این طریق تدوین، پالوده و محقق می‌شود (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). صحت و اعتبار این نظریه موقتی است. محیط اجتماعی پویا و نظریه‌ها باید در حد ممکن پالوده و یا طرح و یا در پاسخ تغییرات پایه‌ور اصلاح شود (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۴). علی‌رغم این محدودیت زمانی، مربوط بودن نظریه تداوم می‌یابد، زیرا نظریه در دل داده‌ها جا دارد (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷). نظریه اشتراوس درباره بیماری‌رانی که در بیمارستان می‌مردند، تأثیر خود را بر تجارب مراقبت‌های بهداشتی در اواخر دهه نود حفظ کرد.

33. Fit

34. Understanding

35. Generality

36. Control

37. Lincoln and Guba

ترجیح می‌دهند که این مفهوم را به جای تعمیم‌پذیری با واژه *قابلیت انتقال*^{۳۸} بیان کنند. نظریه همچنان باید ناظر بر داده‌ها باشد. به عبارت دیگر به عنوان یک ماما باید بتوانیم از نظریه به‌طور مستقل استفاده کنیم و آن را به‌طور سازگار با شرایط موجود و یا در پاسخ به تأثیرات و پیامدهایی که بر مادران و کودکانی که از آنها مراقبت می‌کنیم، به کار ببریم.

هاچینسون (۱۹۸۶) تأیید می‌کند که در شرایطی ممکن است یک نظریه *تمامیت*^{۳۹} نداشته باشد. هنگامی این مشکل رخ می‌نماید که اشباع رمزاها و طبقه‌های نظری صورت نگرفته باشد. محدودیت زمانی برای انجام پژوهش نظریه پایه‌پژوهی برای سطح اول و یا دوم ممکن است گاهی دلیل این مسئله باشد. بنابراین مناسب است که در صورت محدودیت زمان رویکرد دیگری استفاده شود. عدم درک رویکرد ممکن است به مفهوم‌سازی و یا رمزگذاری داده‌ها بدون انجام نمونه‌گیری نظری بینجامد که در آن صورت نظریه، تراکم لازم را دارا نیست.

۳-۱۲- موارد اخلاقی

گلیزر و اشتراوس (۱۹۶۷) و اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) به موارد اخلاقی مرتبط به نظریه پایه‌پژوهی اشاره نکرده‌اند. با این حال نمی‌توان نظریه اخلاقی را نادیده گرفت. پرداختن به موارد اخلاقی نه فقط مرتبط به نظریه پایه‌پژوهی است، بلکه برای کاربرد در همه رویکردهای کیفی باید مورد نظر قرار گیرد. برای انجام پژوهش از کمیته اخلاقی مناسب باید تأیید حاصل آید و پس از آن پژوهشی که مستلزم شرکت کردن مراجعین در آن است، انجام شود. برای دستیابی به محیط پژوهشی باید از طریق روش دروازه‌بانی^{۴۰} عمل کرد (مورس و فیلد، ۱۹۹۶).

محرمانه ماندن اطلاعات و نیز نام شرکت‌کنندگان در تحقیق بایستی محفوظ بماند. این مسئله می‌تواند وضع دشواری را ایجاد کند، مخصوصاً وقتی که اندازه نمونه کوچک باشد. ذخیره‌سازی اسناد باید به دقت از طریق ضبط صدا و ضبط ویدئویی و شکل نوشتاری انجام شود، اما ویژگی‌هایی که هویت شرکت‌کنندگان در تحقیق را مشخص می‌کند، بایستی پوشیده بماند. نیاز برای کسب رضایت اعلام شده شرکت‌کنندگان در تحقیق مسائل خاصی را ایجاد می‌کند. مثلاً

40. Gate- keepers

38. Transferability

39. Complittness

بنابراین پژوهش‌های کیفی، مانند پژوهش‌های کمی نیازمند توجه به دو مورد هستند، هرچند در پژوهش‌های کیفی شاید تعمیم‌دهی نتایج هدف نباشد، اما به هر حال این مسئله نیز نکته قابل بحثی است.

۴-۱- نمونه‌هایی از پژوهش‌های کیفی در علوم رفتاری

مطالعاتی که ژان پیازه، بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز شناختی در مورد مراحل تحول شناختی کودکان انجام داد، مطالعات کیفی بودند. پیازه از مشاهده و مصاحبه با کودکان مدد می‌جست. او بیشتر از آنکه به پاسخ‌های صحیح یا غلط کودکان متکی باشد، اصالت را به محتوای بیانات آنها می‌داد و مشاهده مستقیم و کار میدانی مهم‌ترین ابزار این نابغه بزرگ روان‌شناسی بود. همچنین مطالعاتی که زیگموند فروید انجام داد، همگی مبتنی بر مطالعات موردی، مصاحبه و مشاهده بالینی بودند. مطالعاتی که نظریه روان‌تحلیلی را شکل داد. بسیاری از اندیشه‌ها و پژوهش‌های بعدی انجام شده، همگی مرهون این مطالعات کیفی بوده‌اند و از زیر شنل این مردان بزرگ تاریخ روان‌شناسی بیرون آمدند.

اینکه آیا پژوهشگر بر روی داده‌ها و شرکت‌کنندگان در تحقیق تأثیر می‌گذارد. خوانندگان نیاز ارجاع به سایر متون علمی را دارند. مانند هالووی و ویلر (۱۹۹۶) و راموز (۱۹۸۹). برای به دست آوردن اطلاعات مفصل در این موارد و موارد دیگر شما درمی‌یابید که سایر متون اخلاقی را در ارتباط با تحقیق کمی به خوبی و همانند تحقیقات کیفی در نظر می‌گیرند. راموز (۱۹۸۹) ملاحظه نمود که معیارهای اخلاقی با تحقیق کمی معمولاً به الگوی پژوهش‌های کیفی تعمیم می‌یابد. بنابراین شما باید به وضوح رویکرد پایه‌ور و دیگر رویکردهای پژوهش‌های کیفی و روش مربوط به آن را به هنگام تفسیر و به‌کارگیری موارد اخلاقی درک کنید.

۴- اعتبار درونی و بیرونی پژوهش‌های کیفی

این مسئله نیز از جمله مسائل مهم و قابل بحث در این دسته از پژوهش‌هاست. بحث در مورد اینکه چه مقدار آنچه به عنوان نتایج تحلیل داده‌ها بیان می‌شود، واقعیت است و اینکه چه مقدار نتایج و بیانات تحلیلی ارائه شده قابلیت تعمیم‌دهی دارد.

۲-۴- ارزیابی کیفیت پژوهش‌های

کیفی (به نقل از می‌یر، ۱۹۹۶).

تعریف مسئله

- هدف به روشنی مشخص شده است.
- بر یک مسئله مهم تمرکز دارد.
- در جهت درک تجارب شرکت‌کنندگان طراحی شده است.
- دید کلی را در مورد محیط فراهم می‌سازد.

۳-۴- جمع‌آوری داده‌ها

- پژوهشگر در روش‌های به کار برده شده، آموزش دیده است.
- کار مقدماتی در محیط مشابه با روش‌های مشابه صورت گرفته است.
- منطق زیربنایی برای انتخاب نمونه وجود دارد.
- پژوهشگر، رابطه مبتنی بر همکاری با شرکت‌کنندگان دارد.

- روش‌ها برای جمع‌آوری داده‌ها مداخله‌گرانه نیست.
- روند جمع‌آوری داده‌ها مداخله‌گرانه نیست.
- زمان کافی در محیط صرف شده است.

۴-۴- تحلیل داده‌ها

- تحلیل در طول و بعد از جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفته است.
- برای موارد منفی جستجو صورت گرفته است.
- تفسیر و نظریه و همچنین توصیفی از حوادث فراهم می‌آورد.
- فرصت برای شرکت‌کنندگان برای شرکت در تفسیر فراهم می‌آورد.
- ارزیابی روند و تفسیر را نظم می‌بخشد.

۵-۴- تناسب گزارش

- توصیف محیط کامل است.
- توصیف روند کامل است.
- توصیف ارزش و مفروضات پژوهشگر را دربر می‌گیرد.
- از نقل‌ها و بیانات برای حمایت از نتایج و تفاسیر استفاده شده است.

۶-۴- سنجش عمومی

- اعتبار درونی: چقدر اطمینان به کیفیت توصیف و تفسیر حوادث در محیط پژوهش خاص وجود دارد؟
- اعتبار بیرونی: برآورد شما از گستره‌ای که نتایج این مطالعه را می‌توان در محیط‌های متفاوت به کاربرد چقدر است؟

فرجام

در این مقاله ابتدا پژوهش کیفی به طور عام شرح داده شده و سپس به صورت خاص بر نظریه پایه‌ور (پایه‌ور) تمرکز شده است. در مرحله اول ساخت نظریه در تحقیق کمی توضیح داده شده و پس از آن به نظریه پایه‌ور که روش اصلی در ساخت نظریه در تحقیقات کیفی است، پرداخته شده است.

تفاوت نظریه پایه‌ور با رویکردهای ساخت نظریه مورد توجه قرار گرفته و با آوردن مثال‌های تاریخی نشان داده شده است که نظریه پایه‌ور چگونه تأکید بر نظریه را نسبت به قبل متمایز ساخته است. نمونه‌گیری در نظریه پایه‌ور مبتنی بر چند شکل نمونه‌گیری، استثنایی (کرانه‌ای)، راهبرد نمونه‌گیری تغییرات پیشینه و نمونه‌گیری نظریه‌ای است که به دلیل اهمیت نوع آخر، توجه بیشتری به آن شده است.

نحوه رمزگذاری و ساخت طبقه هسته‌ای و اشباع به دقت توضیح داده شده و با مثال‌هایی عینی تقویت شده است. مراحل ساخت رمزها در سطوح مختلف (مثلاً نحوه شکل‌گیری طبقه‌ها) یا سطح دو رمزها مشخص گردیده است.

حساسیت نظری و غوطه‌وری در داده‌ها شرح داده شد و ارتباط آن با مطالعه پیشینه پژوهش‌ها در نظریه پایه‌ور مورد بحث قرار گرفت. ویژگی‌های یک نظریه خوب و ارتباط آن با شکل‌گیری نظریه پایه‌ور به دقت مشخص شده و راهنمای عملی برای انجام آن صورت گرفته است. برای مثال اینکه اگر اشباع صورت نگیرد، به ملاک تمامیت نظریه آسیب وارد خواهد شد. در انتها موارد اخلاقی خاص پژوهش در ارتباط با نظریه پایه‌ور مشخص گردیده است.

پانوشته‌ها

۱. از مهندس ملایری به دلیل پیشنهاد تغییر این واژه و گزینش «نظریه پایه‌ور» تشکر می‌شود
۲. نگارنده شخصاً به معادل «نظریه ریشه‌ای» متمایل‌تر است. با توجه به شعر زیبای هوشنگ ابتهاج که در آن بر پیوند زمین و ریشه تأکید شده است:
ای مادرای زمین
امروز این منم که ستایشگر توام
از توست ریشه و رگ و خروش من
فرزند حق‌گزار تو و شاکر توام
۳. Story Line: این واژه ساخته شده توسط آشوری (۱۳۷۴) است.

- perspective of managing a pre-school child acute asthma episode. *Journal of Child Health Care*, 6.
9. Glaser, B. G., & Struss, A. L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Chicago: Aldine.
 10. Kendall, J. (1999). Axial coding and the grounded theory controversy. *Western Journal of Nursing Research*, 21.
 11. Lauterbach, S. S. (2001). Longitudinal phenomenology: An example of "doing" phenomenology over time. Phenomenology of maternal mourning: Being a mother in another world (1992) and five years later (1997). In P. L. Munhall (Ed.), *Nursing Research: A Qualitative Perspective*. Sudbury MA: Jones and Bartlett Publishers.
 12. Mc Carthy, M. (2003). Situated clinical reasoning: Distinguishing acute confusion from dementia in hospitalized older adults. *Research in Nursing & Health*, 26.
 13. Patton, M. Q. (2002). *Qualitative Evaluation and Research Methods* (3rd ed.). Newbury park, CA: Sage Publications.
 14. Polit, D. F., & Beck, C. T. (2006). *Essential of Nursing Research*, sixth edition, Lippincott Williams & Wilkins.
 15. Polit, D. F., & Beck, C. T. (2006). *Nursing Research: Principles and Methods* (7th ed.). Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
۴. در متن، تسلط بر زبان انگلیسی آمده است، اما یک پژوهشگر نظریه پایه‌پایه در زبان فارسی باید تسلط بر زبان فارسی را داشته باشد (مترجمین).

منابع فارسی

۱. آشوری، داریوش (۱۳۷۴). *فرهنگ علوم انسانی*. تهران: نشر مرکز.
۲. عریضی، حمید رضا (۱۳۸۴). *روش‌های کیفی پژوهش در پرستاری و مامائی*. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
۳. عریضی، حمید رضا و حجت‌ا.، فراهانی، (۱۳۸۷). *روش‌های پیشرفته پژوهش در روان‌شناسی بالینی و مشاوره*. تهران: نشر داتره.
۴. فراهانی، حجت‌ا. و حمید رضا عریضی، (۱۳۸۸). *روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی*. ویراست دوم. نشر جهاد دانشگاهی اصفهان.
۵. کازبی، س. (۱۳۸۶). *پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری*. ترجمه حجت‌ا. فراهانی و حمید رضا عریضی، تهران: نشر روان.
۶. گال، مردیت، والتر بورگ و جوینس، گال، (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*. ترجمه احمد رضا نصر، حمید رضا عریضی و دیگران. جلد اول. چاپ چهارم، دانشگاه شهید بهشتی و سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهها.
۷. منادی، مرتضی (۱۳۸۸). *روش کیفی و نظریه سازی*. سخنرانی در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

منابع لاتین

8. Dickinson, U. A., R. & Digman, U. D. (2002). *Managing it: A mother's*